

گونه‌شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادیبان

رضا دشتی

گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

Dashti.r2012@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ دوره ۱۹ شماره ۷۵ زمستان ۱۴۰۳ صفحه ۱۱۵-۹۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۵

چکیده

ادریس بن عبدالله دولتی را در مغرب الاقصی تأسیس نمود که بیش از دو قرن دیرپایی یافت. ائمه ادیسی خود شخصاً مسئولیت تبلیغ دین را بر عهده داشتند، آنان با تلاش بی وقفه و شیوه‌های مختلف حتی تبلیغ فردی، آموزه‌های اصیل دین را به مردم مغرب رسانند. ادیبان که اهتمام ویژه‌ای به آموزش قرآن و رهنامه‌های دین اسلام، به مردم داشتند با تأسیس نهادهای دینی و آموزشی مختلف و مجموعه‌ای از اقدامات تبلیغی، فرهنگی و تربیتی نقش مهمی در نظام تعلیم و تربیت ساکنان بومی مغرب اسلامی ایفا نمودند.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال است که روش‌های تبلیغ و نظام تعلیم و تربیت در عصر ادیبان چگونه بوده و چه دستاوردی در مغرب الاقصی داشته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نظام تبلیغ ادیبان به گونه‌ای بود که ائمه ادیسی هم با زهد و تقوای فردی خود و هم با رواداری اسلامی توانستند زمینه گسترش و تثبیت اسلام را در مغرب اسلامی فراهم نمایند و با ساخت مراکز دینی و آموزشی متنوع مانند مساجد، جوامع، رباط‌ها، خانه‌ها و امارت‌های حاکمان ادیسی، نظام تعلیم و تربیت کارآمدی را بوجود آورند.

کلیدواژه: تبلیغ، تعلیم و تربیت، ادیبان، مغرب اسلامی، قرن دوم تا چهارم هجری

نقطه آغاز و پیدایی دولت ادریسیان در مغرب الاقصی به قیام فح در سال ۱۶۹ق در حجاز و به دوران خلافت هادی عباسی (۱۶۹-۱۷۰ق) بر می گردد. در جریان قیام حسین بن علی بن حسن رهبر قیام و تمام یارانش به جز دو نفر شهید شدند، یکی از آن دو نفر، ادریس بن عبدالله دایی رهبر قیام فح بود که به مغرب متواری شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰۷/۲). ادریس (۱۷۲-۱۷۷ق) پس از رسیدن به مغرب، به ولیلی رفت و در نزد اسحاق اوربی رئیس قبیله اوربه ساکن شد. اسحاق اوربی تحت تأثیر زهد، تقوای، تواضع و صبر او قرار گرفت و خود و قبیله اش با او بیعت کردند (ابن عذاری مراکشی، ۵۰-۱۹۴۷؛ ۱۰/۱). سایر قبایل بربر نیز مانند قبیله اوربه، به او متمایل شدند و با او بیعت کردند و ادریس اینگونه توانست نخستین دولت علوی را در مغرب تأسیس نماید (مکناسی، ۱۹۷۳: ۲۰). دولت ادریسیان (۳۶۳-۱۷۲ق) نخستین دولت شیعی بعد از دولت امامان معصوم (ع) در تاریخ اسلام است که در مغرب الاقصی تأسیس گردید و به مدت دو سده دیرپایی یافت. لازم به ذکر است که چگونگی موفقیت ادریس در تشکیل دولت و تحولات سیاسی، اجتماعی مربوط به آن، موضوع این پژوهش نمی باشد.

برخلاف دیگر جریان های حکومتگر در تاریخ اسلام یعنی عباسیان، خوارج و فاطمیان و سایر حکومت های اسماعیلی مذهب که همگی دارای ساختارهای منظمی جهت دعوت و تبلیغ بودند، ادریسیان فاقد دستگاه منسجم دعوتگر و نظام مند تبلیغاتی بودند با این توضیح که تمام اقدامات و روشهای تبلیغاتی ادریسیان حول محور شخص امام ادریسی بود (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۱۵) که با مجموعه ای از رفتارها و اقدامات، این مهم را به انجام می رسانده است.

شیوه های تبلیغی امامان ادریسی در مغرب الاقصی باعث گسترش و پایداری اسلام حقیقی در آن نواحی گردید. درحالی که امویان و خوارج که پیش از ادریسیان به سرزمین های شمال آفریقا آمده بودند در گسترش و تثبیت اسلام به معنای واقعی در میان قبایل بربر، موفق نبودند. در مجموع باید گفت که ادریسیان به جهت گسترش ساختارهای اجتماعی - فرهنگی مبتنی بر آموزه های اسلامی و شیعی در کنار سایر مؤلفه های فرهنگی و تمدنی در مناطق مغرب الاقصی و شمال آفریقا، در تاریخ

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادرسیان

تمدن اسلامی حائز اهمیت هستند. آنان در راه نشر اسلام در مغرب الاقصی و مغرب الاوسط جانفشانی کردند و موفق به حفظ و گسترش اسلام در مغرب زمین شدند (مونس، ۱۳۹۵: ۷۵۶).

مسئله اصلی این پژوهش در قالب این سوال که روش های تبلیغ و نظام تعلیم و تربیت در عصر ادرسیان چگونه بوده است و چه دستاوردی در مغرب الاقصی داشته است؟ مبتنی بر دو متغیر اصلی یعنی شیوه تبلیغ و نظام تعلیم و تربیت ادرسیان است که در متن مقاله بصورت مبسوط مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

روش تحقیق این مقاله توصیفی- تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای است. اینگونه که ضمن بررسی داده های تاریخی، به بررسی روش های تبلیغی ائمه ادرسی که در جهت گسترش و تبیین اندیشه های اصیل اسلامی بکار برده اند و سپس بررسی و بازنمایی نظام تعلیم و تربیت و نهاد های آموزشی و دیگر اقدامات ادرسیان در جهت توسعه علم و تعلیم و تربیت می نماید.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که بیشتر پژوهش هایی که تاکنون درباره ادرسیان انجام شده مربوط به مذهب ادرسیان، تأسیس دولت ادرسیان و مناسبات سیاسی آنان با دولت های همجوارش بویژه اغالبه، خوارج و سپس امویان اندلس و فاطمیان است که از جمله آنها: هادی عالم زاده (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «مذهب ادرسیان» نظر مورخان را در خصوص مذهب ادرسیان به بوته نقد و بررسی گذاشته است. محمود ذکاوت (۱۳۹۱) در مقاله «تأملی در مورد چگونگی شکل گیری حکومت ادرسیان» ضمن ترسیم گاه شماری سیاسی آن دولت، بیشتر حجم مقاله خود را متوجه روند شکل گیری دولت ادرسیان نموده است و در نتیجه نقش دو عامل «علویان» و «بربرهای شمال آفریقا» را در شکل گیری آن دولت مؤثر دانسته است. اعظم بهرامی و فاطمه جان احمدی (۱۳۹۵) در مقاله «رفتار سیاسی دولت شیعی ادرسیان با دولت های خوارج در مغرب اسلامی» ضمن اشاره به تقارن زمانی ادرسیان، خوارج بنی مدرار و خوارج بنی رستم به بررسی روابط آنان پرداخته اند. که در نتیجه معتقدند که گونه ای از مناسبات و رفتار سیاسی در دو بعد مسالمت آمیز و خشونت آمیز در حوزه های مختلف در بین آن دولت ها حکم فرما بوده است. تنها محمد حسین دانشکیا (۱۳۹۶) در مقاله ای به نام «وضعیت و نقش دولت ادرسیان در تمدن اسلامی» ضمن اینکه معتقد است ادرسیان با الهام از آموزه های اسلامی و ارتباط قوی با اهالی مغرب و دعوت آنان به شهرنشینی، آنان را در زمینه های مختلف ارتقاء داده اند. دانشکیا علاوه بر پرداختن به مظاهر تمدنی

مثل تشکیلات سیاسی، قضایی و شهرنشینی از مؤلفه های نظام امامت به جای ساختار خلافت، امامت شورایی ادریسیان، علم و علم آموزی در عصر ادریسیان، عدالت ادریسیان و حاکمان فرهیخته ادریسی سخن به میان آورده است. بنابراین باید گفت که علیرغم بررسی فراوان، مقاله ای با این موضوع و عنوان خاص که به «گونه شناسی تبلیغ ائمه ادریسی و نظام تعلیم و تربیت در عصر ادریسیان» پرداخته باشد ملاحظه نشده است.

نوآوری مقاله پیش رو در مقایسه با پژوهش های ذکر شده، در بررسی و گونه شناسی شیوه های تبلیغ آموزه های اصیل اسلامی و بررسی نهادهای آموزشی و جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی عصر ادریسیان در مغرب اسلامی است که در تحقیقات انجام شده قبلی، یا اصلاً دیده نشده و یا اینکه بصورت جدی دنبال نشده است.

هدف از این تحقیق بررسی شیوه ها و راه های تبلیغ اندیشه های اصیل اسلامی توسط ادریسیان در جهت پیرایش مغرب الاقصی از اسلام تبلیغی اموی و بداندیشی های خوارج و همچنین بررسی جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی و نهاد های آموزشی در عصر ادریسیان است.

فرضیه پژوهش بر این است که ادریسیان روند تبلیغ، تعلیم و تربیت را به گونه ای شکل دادند که جریانات سیاسی و مذهبی پیشین را که مربوط به اسلام تبلیغ شده، توسط امویان و خوارج در شمال آفریقا بوده را خنثی و دگرگون ساخته و با تبلیغ اندیشه های اصیل اسلامی از طریق زهد، مدارا، عدالت و ساده زیستی جهت گیری های جدیدی را ارائه نمایند. همچنین با ایجاد ساختارهای متعدد آموزشی، تعلیم و تربیت اسلامی را در آن خطه از جهان اسلام رونق دادند.

گونه شناسی تبلیغ ائمه ادریسی

یکی از مهمترین عناصر مؤثر در فعالیت های اجتماعی و بویژه تبلیغ دین، اخلاق و رفتار مبلغین دین است. بگونه ای که تأثیر اخلاق در تبلیغ دین، نسبت به سایر عوامل اهمیت ویژه و دوچندان دارد. در این نوشتار سعی می شود تا به گونه شناسی تبلیغی ائمه ادریسی که مبتنی بر اخلاق، رفتار و کارکردهای مختلف آنان بوده است، پرداخته شود. با این توضیح که مراد از «گونه شناسی»، شیوه های مختلف تبلیغی و به معنای شناخت و دسته بندی رویه های تبلیغ و پروپاگاندای ادریسیان به مثابه یک دولت شیعی است و منظور از «تبلیغ» در این پژوهش «رساندن مؤثر پیام دین به مردم» است (احمدپور، ۱۳۹۷: ۳۳؛ مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱/۳۳۳). کاریست واژه پرسامد «امام» نیز در نزد

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر اداریسیان

ادریسیان برگرفته از لفظ «امام» مندرج در قرآن کریم (انبیاء: ۷۳) به معنای رهبری دینی و دنیوی مردم است و در واقع این لفظ بر مبنای همان مفهوم عام فرقه های شیعی که افراد معصوم از خاندان پیامبر (ص) را امام می خوانند، شکل گرفته است (جان احمدی و دشتی، ۱۳۹۲: ۳).

ادریسیان علوی که از خاندان اهل بیت (ع) و نوادگان پیامبر (ص) بودند، حکومت را حق مشروع و قانونی خود می دانستند و با معرفی و شناساندن خود به مردم مغرب آنان را درباره این حق خود متقاعد نمودند. آنان که بر مبنای آموزه های قرآنی عنوان «امام» را به عنوان بالاترین و معتبرترین مرتبه دینی می دانستند خود را به عنوان پیشوایان دینی و دنیوی مردم، امام نامیدند و حاضر به استفاده از لقب خلیفه نشدند (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۱۵). از نظر گروه های مختلف شیعی، امامت به معنای حکومت و اداره امور دینی و دنیایی مردم و اجرای احکام کتاب و سنت در قالب تشکیل حکومت اسلامی است، علاوه بر این در پیوست با نقش تربیتی امام، امام ادیسی خود نیز عهده دار تربیت و پرورش نفوس است (بهرامپور، ۱۳۹۱: ۱۹). بر اساس آموزه های قرآنی کسی شایسته چنین عنوانی است که به طور کلی از وابستگی و محبت دنیا رهیده باشد (بقره: ۱۲۵). بنابراین همین یک آیه قرآن اگر مورد تدبّر قرار گیرد موضع مذهب تشیع درباره خلافت و جایگاه امامت روشن می شود. بر همین اساس برخی از فرقه های شیعی که موفق به تشکیل حکومت در برخی از قلمرو جهان اسلام گردیدند، به رهبران و حاکمان خود لقب امام دادند که از جمله می توان به زیدیان در یمن و ادریسیان در مغرب الاقصی اشاره نمود (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۱۶).

درخصوص گونه شناسی تبلیغی امامان ادیسی باید گفت که پیش از حضور ادریسیان در مغرب، امویان، خوارج و عباسیان که هر کدام به نوعی دارای دستگاه های منسجم دعوتگر بودند، در مغرب اسلامی حضور داشتند و تبلیغ دین را به شکلی سازمانی و نظام مند اما با اختلالات فراوان اخلاقی در ساختار، گفتار و رفتار (امویان و عباسیان) بروز داده بودند. از جمله بروز تبعیض، بی عدالتی و سوء رفتار اجتماعی، رواج اشرافی گری و دنیاطلبی و ضعف رفتارهای اخلاقی در ساختار و فضای حاکمیتی خصوصاً اموی و عباسی، به ویژه در بین والیان، عوامل و کارگزاران حکومتی موجبات نارضایتی عمومی بربرها و مردمان مغرب اسلامی را فراهم آورده بود و باعث پیدایش قیام ها و شورش ها و حتی ارتداد در بین اهالی مغرب و پیدایش مذاهبی الحادی مثل برغواطه و شریعت

حامیم گردید (ناصری طاهری، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۲؛ مونس، ۱۳۹۵: ۷۴۴-۷۴۳). خوارج نیز از همین فضای بوجود آمده و نارضایتی عمومی استفاده نموده و زمینه گسترش اسلام با قرائت خارجی و تشکیل دولت های بنو مدرار و بنو رستم را در مغرب فراهم آوردند (ناصری طاهری، ۱۳۸۹: ۲۴-۱۸؛ مونس، ۱۳۹۵: ۷۴۲-۷۴۱).

ادریس بن عبدالله در حالی وارد مغرب شد و فعالیت های تبلیغی خود را شروع کرد که فاقد ساختار، ابزار و روش های نظامند و حکومتی بود، لذا با شیوه کاملاً سنتی بدون در اختیار داشتن زمان طولانی، مکان و ابزاری خاص و به شیوه عالمان دین، پیام مؤثر دین را از طریق چهره به چهره، منابر و مساجد و معاشرت با مردم به گوش آنان می رساند. از جمله گونه شناسی یا شیوه های مختلف تبلیغی ائمه ادریسی در جهت تبلیغ اسلام راستین در بین بربرهای مغرب الاقصی، براساس اهمیت و اولویت آنان در نزد ائمه ادریسی به شکل زیر بوده است:

۱- فعالیت های تبلیغی از طریق اخلاق فردی، زهد و تقوی الهی:

رفتار، گفتار و کردار اکثر امامان ادریسی مبتنی تعالیم، آموزه ها و احکام اسلام بود. اکثر آنان اهل رعایت زهد و تقوی الهی بودند به گونه ای که در منابع از امامان ادریسی با لقب «النساک» (زاهد و زهاد) یاد شده است (ابن عنبه، ۱۴۱۳ق: ۱۶۰؛ علوی، ۱۴۰۹ق: ۶۳). ادریس اول که او را از شاگردان امام صادق (ع) دانسته اند (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۱۰۴)، دارای کرامت، اخلاص، تواضع و صبر فراوان بود به نحوی که اسحاق اوربی شیخ قبیله اوربه را در همان مدت اقامت شش ماه ای که در نزد او بود به خود جلب نمود و موجبات بیعت او و قبیله اش را فراهم نمود (مکناسی، ۱۹۷۳: ۱۹، ۲۰؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۱۶؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۱۹، ۲۰؛ ابن عذاری مراکشی، ۵۰-۱۹۴۷؛ ۱۰۱/۱؛ ابن خطیب، ۱۹۶۴: ۱۹۰) از دیگر صفات ادریس اول زهد و تقوی او، تسلط او بر نفس و خوی شهوانی و تمایلات حیوانی، گرایش به عدالت و اعمال نیک و پسندیده، شجاعت و نجابت او بود (مغنیه، ۱۳۵۱: ۳۱؛ رضوی اردکانی، ۱۳۷۵: ۲۵۳-۲۵۱) به نظر می رسد که تاکید ادریس اول بر آزادی اراده انسانی که بازتابی از افکار اعتزالی در سخنان او بوده است، در گرایش اسحق اوربی و سایر قبایل بربر به او بی تاثیر نبوده است و اینگونه بود که قبایل مختلف بربر به سرعت به او متمایل شدند و با او بیعت کردند به نحوی که ادریس توانست دولت ادریسیان را در مغرب تأسیس نماید (کنون، ۱۹۷۵: ۴۵/۱-۴۳).

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادریسیان

ادریس دوم (۱۸۸-۲۱۳ق) را فردی عالم به قرآن، آگاه به فقه و حلال و حرام، مجری حدود الهی، با تدبیر و با اراده، جواد، فاضل و عالم، فصیح و حازم وصف نموده اند به نحوی که مردم او را بسیار دوست داشتند (مکناسی، ۱۹۷۳: ۱۶۱؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۲۶؛ زرکلی، ۱۹۹۰: ۲۷۸). روایت شده است که امام رضا (ع) ادریس بن ادریس را از شجاعان اهل بیت دانسته و اینکه در خاندانش کسی به مانند او یافت نمی شود (ابن عنبه، ۱۴۱۳ق: ۱۸۴). یحیی بن ادریس بن عمر (۲۹۲-۳۱۰ق) را نیز فردی فقیه و حدیث دان و حافظ حدیث، متدین و با تقوا و عدالت و کرامت دانسته اند به نحوی که گفته اند هیچ یک از ادریسیان به پای او نمی رسیدند (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ۶۷؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۸۰). ابوالعیش احمد بن قاسم گنون (۳۴۳-۳۳۷ق) از دیگر امامان ادریسی هم فردی عالم، فقیه باتقوی دیندار، عاقل، شجاع، حلیم و کریم بود (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۸۸؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۹۵). البته موردی استثنایی مانند یحیی بن یحیی بن محمد ادریس (۲۵۲-۲۴۹ق) هم در این خاندان وجود داشت که دچار فساد اخلاقی و بدسیرتی گردید به نحوی که مردم او را از حکومت معزول کردند و یحیی پس از عزل متواری، نادم و دق مرگ گردید (بکری، ۱۸۵۷: ۱۲۴؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۷۸؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۵۳؛ مونس، ۱۳۹۵، ۷۵۳) البته در ادوار بعد از انقراض حکومت ادریسیان هم، از افراد زیادی از خاندان ادریسی با عناوین، عادل، نیک سیرت و عالمان دینی در متون مختلف یاد شده است (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۱۰۴) البته باید گفت که علیرغم ویژگیهای مثبت فراوانی که از ائمه ادریسی در منابع ذکر شده است، نمی توان وجه مطلق پرهیزکارانه ای برای همه آنان متصور بود.

۲- فعالیت های تبلیغی از طریق اقامه نماز، احکام و آموزه های شریعت:

در ساختار حاکمیت سیاسی مذهبی ادریسیان، «امامت» در رأس همه امور قرار می گرفته است به گونه ای که امام ادریسی خود شخصاً احکام و آموزه های شریعت را اقامه می نمود، بنابراین نقش و کارکردهای مختلف امام ادریسی مهمترین روش تبلیغی در عصر ادریسیان بوده است. اهالی مغرب نسبت به امامان ادریسی حسن ظن داشتند، بنابراین آنها موفق شدند که احکام، تعالیم و آموزه های اسلام را در دولت خود به کار گرفته و اجرا نمایند. امام ادریسی شخصاً به اقامه نماز در طول ایام هفته و نماز جمعه اقدام می نمود، در عیدین فطر و قربان نیز خود شخصاً برای مردم نماز می گذارد (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۱۷).

۳- فعالیت های تبلیغی از طریق برگزاری جلسات و مجالس تبلیغ:

از همان ابتدا ادریس برای جلب قبایل بربر به طرف خود از محبوبیت فرزندان رسول الله (ص) و نفوذ اهل بیت (ع) در میان بربرها استفاده کرد. هر زمانی که نمایندگانی از سرزمین های شرقی به مغرب الاقصی و به نزد ائمه ادریسی می آمدند، آنان فرصت را جهت برگزاری جلساتی که در آن از آموزه های اصیل اسلامی و از فضائل اهل بیت (ع) سخن به میان آید، مغتنم می شمردند. از جمله ادریس اول در زمانی که سلیمان بن جریر ملقب به شَمَاح، فرستاده و عامل نفوذی عباسیان (ابن عذاری مراکشی، ۵۰-۱۹۴۷؛ ۱/۲۹۹-۲۹۸) به مغرب آمده بود جلساتی را با وجود او تشکیل می داد و در آن جلسات به بیان فضیلت ها و مناقب پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و پس از آن خاندان ادریس که از اهل بیت (ع) و نسل پیامبر (ص) بودند، می پرداخت به نحوی که باعث شناخت بیشتر اهالی مغرب از خاندان ادریسی و تقویت مبانی مشروعیت حکومت آنان می شد (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۲۳-۲۲؛ بکری، ۱۸۵۷: ۱۲۰). امام ادریسی بعد از اقامه هر نمازی طی جلساتی ضمن رفع مشکلات مردم و حل و فصل دعاوی و مشکلات آنان، به آنها قرآن کریم، تعالیم اسلامی و زبان و ادبیات عربی را می آموخت و به تربیت صحیح دینی آنان توجه می نمود و با مردم چنان تواضعی داشت که مردم پیشتر هرگز اینگونه ندیده بودند، لذا علاقه و احترام مردم به امامان ادریسی روز افزون شد (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۱۷).

۴- فعالیت های تبلیغی از طریق حضور در عرصه های مختلف اجتماعی:

ادریسیان با وجود جایگاه والایی که داشتند از لحاظ اجتماعی همانگونه زندگی می کردند که مردمان بربر مغرب می زیستند (مونس، ۱۳۹۵، ۷۵۳). امامان ادریسی خود و اعوان و انصارشان در تفقد از احوال مردم، به لحاظ سلامتی و معیشت آنان اهتمام می ورزیدند. ائمه ادریسی با حضور در بطن اجتماع از بیوه زنانی که همسرانشان در راه خدمت به ادریسیان کشته شده بودند، یتیمان و فقرا دلجویی می کردند و از لحاظ معیشتی آنان را مورد حمایت قرار می دادند. کمکها و عطایای ادریسیان به مساکین و نیازمندان چه به شکل آشکار و چه مخفی باعث کاهش آلام و بهبود وضعیت زندگی آنان می شد، این عنایات شامل حال دیگر مردمانی که از سایر مناطق و به منظور دیدار با امامان ادریسی به مرکز حکومتشان می آمدند نیز می شده است. علاوه بر این امام ادریسی معمولاً با تعدادی معدود از یارانش برای سرکشی به سایر مناطق و قلمرو حکومتش می رفت تا از احوال و شرایط

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادیسیان

زندگی سایر رعایای دور از مرکز اطلاع حاصل نموده و به رفع مشکلات آنان نیز اقدام نماید. امامان ادیسی در رفتارهای اجتماعی خود متواضع و فروتن بودند آنان با شرکت در مجالس شادی و عروسی موجبات سرور و انبساط خاطر رعایای خود را فراهم می نمودند، همچنین با شرکت در مجالس غم و اندوه و تشیع جنازه مردم، باعث تسکین آلام و اندوه رعایای خود می شدند(نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۱۸-۱۱۷).

۵- فعالیت های تبلیغی ائمه ادیسی از طریق پیوند ازدواج با دختران قبایل بربری: ادیسیان با ازدواج با دختران قبایل بربر هم موجب همگرایی اجتماعی و وفاداری قبایل به خود می شدند و هم با برقراری این گونه ارتباطات مؤثر، زمینه تبلیغ اسلام و نشر آن را در میان قبایل فراهم می نمودند(مونس، ۱۳۹۵، ۷۳۱، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۴) و باعث می شدند تا ساکنان مغرب از لحاظ دینی و زبانی به اسلام جذب شوند(غلاب، ۱۹۹۶: ۴۰؛ غنیمی، ۱۹۹۴: ۲۵۷-۲۵۳).

هدف عمده این سیاست های تبلیغی که در کل دوران ادیسیان کم و بیش وجود داشته است گسترش دین اسلام و تثبیت و گسترش دولت ادیسی در میان بربرها بوده است. چرا که امویان و خوارج که قبل از ادیسیان در مغرب حضور داشتند در گسترش و تثبیت اسلام به معنای واقعی کلمه در میان قبایل بربر، موفق نبودند و با رفتارهای خود موجب شورش های مکرر بربرها بر علیه والیان و حاکمیت اسلام شده بودند(ابن عذاری مراکشی، ۵۰-۱۹۴۷؛ ۱/۶۱-۵۴). ادیسیان توانستند با سیاست ها تبلیغی صحیح و رواداری اسلامی، هم دولت خود را تأسیس و گسترش دهند و هم موجبات گسترش و تثبیت اسلام را در میان بربرها را فراهم نمایند(مونس، ۱۳۹۵، ۷۵۶).

نظام تعلیم و تربیت و نهادهای آموزشی و تربیتی عصر ادیسیان

بررسی و مطالعه نظام تعلیم و تربیت و نهادهای آموزشی - تربیتی عصر ادیسیان به منظور شناخت و اطلاع از وضعیت دانش و دانش افزایی آنان در تمدن اسلامی و ارزیابی کارنامه درخشان و پرمحتوای ادیسیان در این عرصه، مهم و ضروری به نظر می رسد، چرا که امامان ادیسی خود شخصیت های فرهیخته ای بودند که تمایل زیادی به علم داشتند و مردم را ترغیب به دانش اندوزی می نمودند. برای مثال ادیسی دوم هنگام ساخت شهر فاس بدرگاه خداوند دعا نمود و از خدا

خواست که آنجا را خانه علم و فقه قرار دهد که کتاب خدا در آنجا تلاوت شده و سنت و حدود الهی در آن جا اقامه شود (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۹۴؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۳۶).

ادریسیان در راستای تعلیم و تربیت عمومی، ضمن بکارگیری گونه های تبلیغی خاص خود، ساخت اماکن و مراکز دینی را جزو اولویت های خود قرار داده بودند. از جمله ادریس اول پس از تصرف تلمسان و بیعت مردم آنجا، فوراً دستور ساخت مسجد و تعلیم قرآن در آنجا را داد (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۷۵، ۲۱). ادریسیان از مساجد و اماکن مذهبی جهت بالا بردن سطح عمومی دانش و معرفت افزایی دینی و اعتقادی مردم و رعایای خود بهره می بردند. نظام تعلیم و تربیت عصر ادریسیان مبتنی بر نهادهای آموزشی و تربیتی مختلفی بوده است. با این توضیح که ادریسیان در ضمن ساختن شهر فاس که از جمله اقدامات مشعشع و کم نظیر ادریس دوم بود و همچنین در ادوار بعد، نهادها و مراکز متعدد آموزشی و تربیتی را نیز بوجود آوردند که مهمترین این نهادها و مراکز آموزشی و تربیتی عبارت بوده اند از: مساجد و جوامع، رباط ها، خانه ها و امارت های حاکمان ادریسی (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۱۰۲). بررسی مواد آموزشی و معرفی مراکز آموزشی و تربیتی عصر ادریسی به درک و شناخت بیشتر و بهتر شیوه های تبلیغ و ترویج اندیشه های اصیل اسلامی و همچنین نظام تعلیم و تربیت ادریسیان منجر می شود.

مواد آموزشی در عصر ادریسی:

هرچند که منابع عصر ادریسی اشاره ای مستقیم و روشن به مواد آموزشی آن دوره ننموده اند ولی از لابه لای متون مختلف، امکان شناخت محتوای درسی و مواد آموزشی آن دوره تا حدودی میسر می گردد. هرچند که ادریسیان بصورت رسمی محتوای آموزشی خود را به مراکز آموزشی و تربیتی ابلاغ نمی کردند، اما عمده مواد آموزشی عصر ادریسی در آموزش قرآن کریم، احادیث نبوی، فقه دین، زبان و ادبیات عرب، تاریخ و شعر و برخی علوم طبیعی مانند جغرافیا، نجوم و ریاضیات خلاصه می شده است. برای مثال ادریس اول دستور آموزش قرآن کریم به مردم را، در مساجد تلمسان صادر کرد (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۷۵، ۲۱) و یا اینکه در مسجد شهر جراوه، فقه، تاریخ و علم انساب، به همگان آموزش داده می شد چرا که ابوالعیش ادریسی که فرمانروایی فقیه، تاریخ دان و آگاه به علم انساب عرب و بربر و ملقب به «فاضل» بود (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۹، ۱۰۶)، در این شهر می زیست و شخصاً به گسترش علوم اهتمام می ورزید. همچنین در مسجد جامع قرویین فاس

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادیسیان

علوم قرآنی، تفسیر، احادیث نبوی، فقه، منطق، علوم طبیعی مانند جغرافیا، نجوم و ریاضیات تدریس می شده است (زیب، ۱۹۹۵: ۱۳۷-۱۳۴؛ سائح، ۱۹۸۶: ۱۶۲).

به گواه منابع تاریخی همواره در مساجد شهرهای مختلف مغرب اسلامی عصر ادیسی، حلقه های درس و بحث به طور فعال و مستمر بر قرار بوده و ضمن آموزش قرآن، حدیث، فقه، تدریس و آموزش شعر، زبان و ادبیات عرب نیز متداول بوده است (اصفهان، ۱۹۹۴: ۱۳۸/۳، ۱۱۵/۱۵، ۷۹/۱۸؛ احمد امین، ۲۰۰۵: ۵۲/۲، ۵۳). ادیسیان نقشی مهم و سهمی بسزا در عربی سازی مغرب اسلامی داشتند (مونس، ۱۳۸۴: ۳۷۶/۱). آنان نشر لغت و زبان عربی را با قرائت و تفسیر قرآن همراه کرده بودند (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۷۱).

درباره تبلیغ تشیع با جوهره عربی توسط ادیسیان توضیح این است که ادیسیان در واقع شیعیان بسیار معتدلی بودند که در برنامه های آموزشی عصر خود اساساً به طور مستقیم به مبانی اندیشه شیعی نمی پرداختند ولی همواره سعی داشتند تا در مجالس خود فضائل و مناقب پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و خاندان ادیسی که از اهل بیت (ع) و نسل پیامبر (ص) بودند، را بیان نمایند تا اهالی مغرب شناخت بیشتری از خاندان ادیسی و وابستگی آنان به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) پیدا کنند (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۲۳-۲۲؛ بکری، ۱۸۵۷: ۱۲۰). ادیسیان در دوره ضعف و انحطاط بویژه زمانی که فاطمیان در افریقیه پدیدار شدند در دعوت مردم به تشیع زیدی اهتمام بیشتری به خرج دادند (عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۱۷۶).

مراکز آموزشی و تربیتی عصر ادیسی به شرح زیر بوده است:

مساجد و جوامع: نخستین اقدام فرهنگی - تمدنی پیامبر (ص) در نخستین سال هجرت، اقدام به ساختن مساجد محله قبا در نزدیکی یثرب و مسجد یثرب (مدینه) بوده است (طبری، ۱۳۸۸: ۹۲۹، ۹۲۶/۳). این اقدام پیامبر (ص) در عصر خلفا و پس از آن، همواره سرلوحه همه فاتحان و دولتمردان مسلمان قرار گرفت تا هم نشان پیروزی و هم پایگاهی برای گسترش اسلام باشد. بعدها نیز همواره مسلمانان به داشتن محلی برای انجام عبادت های جمعی و مکانی جهت تجمع های سیاسی، مذهبی، فرهنگی و حتی نظامی خود احساس نیاز می کردند، لذا توجه آنان به ساخت مساجد معطوف گردید. از ابتدا و زمان پیامبر (ص) نیز ساخت مسجد صرفاً جهت عبادت نبود بلکه

این مکان از جهات مختلفی در تمدن اسلامی مورد توجه و نقش آفرینی قرار می گرفت. مهمترین نقش های مسجد در فرهنگ و تمدن اسلامی به عنوان مکانی دینی و عبادی، نهادی اجتماعی و سیاسی جهت گردهمایی های مردمی و عمومی، موسسه ای دولتی، دارالفتوی و نهاد جهاد، محکمه قضایی، دارالحسبه و دستگاه نظارتی بر بازارها و سایر اماکن عمومی و نهاد آموزشی بوده است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

با توجه به فضیلت مسجد سازی در اسلام، بعدها در شهرهای بزرگ اسلامی مساجد متعدد و فراوانی ساخته شد مثلاً یعقوبی در سخنی مبالغه آمیز تعداد مساجد بغداد در عصر عباسیان را سی هزار مسجد گفته است (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۳۵). با افزایش شمار مساجد در یک شهر، بزرگترین و اصلی ترین مسجد هر شهر از نظر مرکزیت عبادی و سیاسی عنوان مسجد جامع یافت.

ادریسیان نیز مانند سایر حکومتگران مسلمان اهتمام ویژه ای به ساخت مساجد داشتند. آنان با ساختن مساجد متعدد ضمن تبلیغ و ترویج اندیشه های اصیل اسلامی موجبات شکوفایی نظام تعلیم و تربیت اسلامی را در مغرب الاقصی فراهم نمودند. مهمترین مساجد عصر ادیسی عبارت بودند از: مسجد تلمسان، مسجد جامع الاشیاخ، مسجد جامع الشرفاء مسجد تاهدارت، مسجد بصره، مسجد جراوه، مساجد اصیلا، مسجد جامع قرویین فاس، مسجد جامع اندلس.

رباط ها: درحقیقت رباط، گونه ای از قلعه نظامی و بنای بزرگ تدافعی بود که جهادگران فی سبیل الله (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۳۰۲/۷؛ نعیمی، ۱۹۹۰: ۷۰/۱) آنها را برای دفاع از کیان قلمرو اسلامی از تعرضات دشمنان از خشکی و دریا، می ساخته و همچنین برای مقاومت در برابر شورش های داخلی، بکار می بردند (کونل، ۱۳۴۷: ۲۱). ساختمان این رباط ها مستطیل شکل و دارای برج های دیدبانی بود که شباهت زیادی به قلعه ها و دژهای نظامی داشته است (همان، ۱۶۴). در ادوار مختلف اسلامی از رباط ها با اسامی مختلفی همچون محرس، قصر و حصن نام برده شده است (تلیسی، ۲۰۰۳: ۴۱۳). واژه قصر از دوران غالبه بر حصن و رباط های ساحلی اطلاق گردید (محمد حسن، ۲۰۰۴: ۲۸). ادیسی صاحب کتاب «نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق» از رباط ها و حصن ها با عنوان قصر یاد کرده است (ادیسی، ۱۳۸۰: ۹۵). بعدها با پایان عصر فتوحات و جهاد برون مرزی، زاهدان، صوفیان، علماء و دانشمندان و دانش پژوهان مسلمان ساکنان این رباط ها گردیدند و عملاً رباط به عنوان مکانی برای عبادت، تعلیم و تربیت و کسب علم و معرفت مورد استفاده قرار گرفت. ادیسیان

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادریسیان

با استفاده از این رباط ها به عنوان مراکزی عبادی و آموزشی نهایت جهد و کوشش خود را در جهت ترویج اسلام اصیل در مغرب الاقصی بکار بردند (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۱۰۲). در دوره حاکمیت عبدالله بن ادريس و فرزندانش بر شهر سوس الاقصی و مناطق اطرافش، در ناحیه ماسه که در ساحل دریا واقع شده بود رباطی بر ساحل دریا وجود داشت که بواسطه حضور عباد و زهاد در آن، به «مسجد بهلول» (یا به قول ادريسي قصر بنی ولول) معروف گشته بود و کشتیهای تجاری در محل این مسجد یا رباط پهلو می گرفتند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۰۹). ادريسي در نزه المشتاق از تعداد فراوانی رباط یا به قول او قصر مربوط به عصر ادريسيان نام برده است (ادريسي، ۱۹۵۷: ۹۵-۹۶).

خانه ها و امارت های حاکمان ادريسي: علاقه فرمانروایان ادريسي به دانش و تعلیم و تربیت باعث تغییر رویکرد عمومی مردم مغرب الاقصی و مغرب الاوسط به دانش و دانش اندوزی گردید، به گونه ای که این علاقه هم تأثیرات مهمی بر شیوه زندگی قبایل بربر داشت و هم از طرفی باعث روی آوردن مشایخ، فقها، علما و شعرا از شرق و غرب عالم به قلمرو حاکمیتی ادريسيان شد (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۱۰۴). حکومتگران ادريسي با داشتن مشروعیت دینی بواسطه انتساب به خاندان پیامبر (ص) و همچنین داشتن علم و دانش و دارا بودن خصوصیات فردی همچون زهد و تقوا، هم از نظر مردم دارای احترام و ابهت بودند و هم بر مردم تأثیر گذار بودند (مونس، ۱۳۸۴: ۱/۳۷۷).

شخصیت فرهنگی حاکمان ادريسي ادريسي به گونه ای بود که بسیاری از حاکمان ادريسي که خود از جمله علماء و دانشمندان و علاقمند به علم و فقاہت، شعر و ادبیات عرب بودند، با مردم و رعایای بربر خود به راحتی نشست و برخاست می نمودند (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۲۲۱) و خانه ها و عمارت های خود را محل حضور دانشمندان و علما قرار داده بودند از جمله آنان احمد بن ادريس بود که همواره در امارتش مجالس علمی برقرار بود و بسیاری از علماء، شعرا و ادبا در آن حضور می یافتند (تلیسی، ۲۰۰۳: ۴۰۵). از جمله یحیی چهارم یا یحیی بن ادريس بن عمر که مردی دانشمند بود (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۲۲۱) در عمارت و منزلش همواره مجلس علم بر پا می کرد و ادبا و علما و دانشمندان در آن شرکت می نمودند (بکری، ۱۹۹۲: ۸۱۶).

ابوالعیش عیسی بن ادريس (۲۵۷-۲۹۱ق) حاکم جراوه نیز از دیگر حاکمان دانشمند، فقیه، تاریخ دان و آگاه به علم انساب عرب و بربر بود که ملقب به «فاضل» بود (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۱۰۶، ۹۶). غیر

از حاکمان ادیسی برخی از زنان این خاندان نیز زنانی عاقله و فرهیخته بودند که در تعلیم و تربیت فرزندان الگوی مردم و رعایای خود بودند، از جمله «کنزه» همسر ادیسی اول و مادر ادیسی دوم که زنی بربر بود، علاوه بر تربیت بسیار شایسته فرزندش ادیسی دوم، به تربیت نوه هایش یعنی دوازده پسر و تنها دختر ادیسی دوم هم اهتمام ورزید و آنها را نصیحت و موعظه می نمود تا منشاء کارهای خیر و پسندیده برای مردم باشند. او به عنوان مشاور در اداره امور مملکت ادیسی هم مشارکت می نمود. لذا «کنزه» به عنوان الگو همواره مورد توجه زنان مغرب اسلامی بود و آنان خصوصاً در تربیت فرزند سعی داشتند از او تقلید نمایند (سائح، ۱۹۸۶: ۱۶۲-۱۶۱؛ همان، ۲۰۰۰م: ۱۶/۲).

سایر اقدامات ادیسیان در حوزه آموزش، تعلیم و تربیت عمومی

یکی از وجوه اصلی دولت ادیسیان بویژه ادیسی اول و دوم مبارزه با جهل و خرافات، سحر و جادو در میان قبایل و نشر و گسترش اسلام در بین مردم مغرب اسلامی بود. ادیسیان به همین منظور غیر از اقداماتی که پیشتر ذکر شد، اقدامات مهم دیگری برای ارتقا سطح عمومی آموزش، تعلیم و تربیت مردم مغرب انجام دادند از جمله:

نشر و گسترش فرهنگ و زبان عربی: هرچند با فتح شمال آفریقا و حضور فاتحان عرب در مناطق مختلف آن و حتی عبور و مرور اعراب مسلمان از شمال آفریقا به سوی اندلس آشنایی مختصری با زبان عربی برای ساکنان آفریقه حاصل شد و بربرهای مسلمان شده برای قرائت قرآن و حدیث و اقامه نماز ناگزیر به فراگیری زبان عربی بودند ولی با این همه، این اقدامات به عربی شدن مردم بربر مغرب منجر نگردید (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱۱۴۱/۲-۱۱۴۰). چرا که تا قبل از تشکیل دولت ادیسیان در مغرب الاقصی در دوره خلفای اموی و عصر والیان، این حاکمان صرفاً در اندیشه فتوحات ارضی و گسترش و توسعه سیاسی بودند و عملاً یا مجالی برای عربی سازی منطقه وسیع آفریقه و مغرب اسلامی نداشتند و یا خود این والیان که از اشراف عرب بودند و عموماً نگاهی مبتنی بر برتری نژاد عرب بر عجم داشتند علاقه چندانی به توسعه فرهنگ عربی در بین مردمان بربر آن مناطق نداشتند، اما با تشکیل دولت ادیسیان آنان سهم و نقش بزرگی در عربی سازی مغرب اسلامی به عنوان بخش پهناوری از جهان اسلام داشتند برای خود قائل شدند (مونس، ۱۳۸۴: ۳۷۶/۱).

ادیسیان آمده بودند که در آن منطقه از جهان استقرار یابند و دولت و حاکمیت خود را تأسیس

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر ادیسیان

کنند و مردمان بربر را طبق قرائت و برداشت خود از دین اسلام و مبتنی بر عدالت اجتماعی و سایر آموزه های اسلامی تربیت نمایند و برای انجام این مهم نیاز به توسعه و گسترش فرهنگ و زبان عربی در بین مردمان آن خطه از جهان اسلام داشتند بنابراین آنان با نشر لغت عربی که آن را با قرائت و تفسیر قرآن همراه کرده بودند به ارتقاء آموزشی، تعلیم و تربیت عمومی و ارتقای سطح فرهنگ اسلامی مردم مغرب کمک شایانی نمودند (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۷۱). ادیسیان قریشی با تأکید بر استفاده از زبان عربی به عنوان زبان قرآن و زبان رسول الله (ص) در ساختار دولتشان، امکان و زمینه های بیشتری در جهت نشر و گسترش فرهنگ و زبان عربی در مغرب برای مردم فراهم نمودند. اقدامات ادیسیان دوم در جهت تعریب ساختار دولتش و همچنین تأسیس شهر فاس به عنوان مرکز دولت ادیسیان که محل رفت و آمد و تجمع دانشمندان علوم مختلف اسلامی شد (همان، ۱۹۸۷: ۱۳۲؛ کنون، ۱۹۷۵: ۵۴/۱)، نقش و سهم عمده ای در نشر فرهنگ اسلام و زبان عربی در مغرب داشت به نحوی که مغرب را به شکل سرزمینی عربی با فرهنگ اسلامی دگرگون نمود (مونس، ۱۹۸۰: ۱۳۳-۱۳۲).

رواج کتابت و ملزومات مرتبط با آن: یکی دیگر از تحولاتی که باعث ارتقا سطح آموزش و تعلیم و تربیت عمومی در مغرب اسلامی گردید، پذیرش و استفاده از خط عربی در کتابت و نگارش زبان های آفریقایی بود که باعث رواج سطحی محدود از سواد خواندن و نوشتن در میان بسیاری از قبایل مسلمان در مناطق مختلف آفریقا بویژه مغرب اسلامی گردید (ریاض، ۱۹۶۸: ۹۱-۹۰؛ فتی، ۱۹۸۴: ۲۸-۲۷). در عصر ادیسیان مردم مغرب الاقصی که مانند سایر مناطق جهان اسلام به امر کتابت علاقمند شده بودند اهتمام خود را برای تهیه ملزومات کتابت از جمله کاغذ و دوات بکار بردند. آنان فن کاغذ سازی را از چین به مغرب آوردند و به سرعت کارگاه های کاغذ سازی در فاس، سبت و دیگر شهرهای مغرب دایر کردند، با افزایش تولید کاغذ ادیسیان در راستای عدالت آموزشی و پیشرفت تعلیم و تربیت عمومی، استفاده از آن را در در همه محافل گسترش دادند و در مجموع فراوانی کاغذ باعث رونق مشاغل مرتبط با کتاب و کتابت همچون استنساخ، صفحه آرایی و جلدسازی در مغرب اسلامی عصر ادیسیان گردید (سائح، ۱۹۸۶: ۱۶۳).

جذب و بکارگیری علما و دانشمندان در جهت آموزش، تعلیم و تربیت مردم: ادیبان با برپا نمودن مجالس درس و بحث در مساجد به جذب تعداد زیادی از دانشمندان متبحر در زبان عربی و علوم اسلامی و غیره پرداختند. همچنین با بالا گرفتن آوازه شهر فاس و اهتمام ادیبان به علوم و معارف اسلامی، بسیاری از علما، فقها، ادیبان و شاعران عرب به این شهر نقل مکان کردند (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۲۲۶). در عصر ادیبان شهر فاس مرکز حکومتی آنان با داشتن مرکز مهم علمی چون جامع قرویین حافظ علوم و معارف دینی بود (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۱۵۱/۲). بسیاری از علمای اسلامی اهل مغرب و اندلس و حتی سرزمین اروپا در دوره ادیبان جذب شهر فاس شدند و تحصیلات خود را در آنجا به اتمام رساندند، از جمله آنان ابن میمون فیلسوف و طبیب یهودی و پاپ سلوستر دوم (۱۰۰۳-۹۹۹م/۳۸۰-۳۷۶ق) که در ایام جوانی در این شهر به تحصیل پرداختند (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۱۲۰). در دانشگاه قرویین فاس در عصر ادیبی علوم مختلف اسلامی مثل تفسیر، حدیث و روایت، فقه و دیگر علوم مانند منطق، ریاضیات، جغرافیا، طب و نجوم توسط علما و اساتید برجسته تدریس می شد (زیب، ۱۹۹۵: ۱۳۵-۱۳۶). مهمترین علما و دانشمندان عصر ادیبی عبارت بودند از: درّاس بن اسماعیل فاسی از فضلا و مدرسین جامع قرویین فاس، ابوجید بن احمد فاسی و ابو عمران فاسی محدثین و فقه های مالکی عصر ادیبی، ابن العجوز فاسی عالم، حافظ و شیخ فتوای عصر ادیبی، ابو محمد عبدالله اصیلی از مشاهیر علما و محدثان مغرب، ابومیمونه از محدثین مغربی (حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۱/۴؛ سائح، ۲۰۰۰م: ۹/۲-۸)، بکر بن حماد تاهرتی شاعر صاحب سبک، ابو احمد شافعی (تلیسی، ۲۰۰۳: ۴۰۵؛ بکری، ۱۹۹۲: ۸۱۶) و دیگران. در مجموع اقدامات همه جانبه دولت ادیبان در مغرب اسلامی باعث شکوفایی علم و ارتقاء سطح آموزش، تعلیم و تربیت عمومی مردم آن دیار گردید.

نتیجه گیری

ادریس بن عبدالله که از ماجرای قتل و عام قیام فخ در حجاز در سال ۱۶۹ق جان سالم به در برده بود، توانست خود را به مغرب اسلامی رسانده و پس از اخذ بیعت از قبیله اوربه و سایر قبایل بربر مغرب الاقصی در سال ۱۷۲ق در ولیلی دولتی بنام ادیبان تأسیس کند که بیش از دو قرن دیرپایی یابد.

گونه شناسی نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت عصر اداریسیان

نظام تبلیغ، تعلیم و تربیت اداریسیان مجموعه ای از اقدامات فردی و گروهی مرتبط و به هم پیوسته بود که در رأس این نظام تربیتی امام اداریسی قرار داشت و در واقع یکی از مهمترین ممیزات دولت اداریسی امامت محوری آن بود و این امامت محوری به گونه ای بود که به شاخصه ای در نظام تبلیغی و تعلیمی اداریسیان تبدیل شده بود. امام در دیدگاه آنان بر اساس مفهوم عام فرقه های شیعی نسبت به افراد صالح و پرهیزکار اهل بیت پیامبر(ص)، شکل گرفته بود. امام اداریسی به شخصه مسئولیت تبلیغ دین و آموزه های اصیل اسلامی را بر عهده داشت. او با رفتار حسنه، زهد و تقوی و مردم داری و زندگی بی تکلف در میان مردم، توانست عملکرد ضد دینی عناصر و کارگزاران اموی و بدانشی خوارج را که پیش از اداریسیان در منطقه حضور یافته بودند، خنثی کند و خود به عنوان عضوی از خاندان پیامبر خدا(ص) و امیرالمومنین علی(ع)، چهره واقعی دین را به مردمان ستمدیده بربر مغرب اسلامی بنمایاند. مغربیان نیز بواسطه علاقه به خاندان پیامبر(ص) و رفتار شایسته و بی تکلف اداریسیان، احترام و محبت فراوانی به آنان ابراز می کردند. ائمه اداریسی با مجموعه رفتارهای صحیح و اخلاق خالصانه خود و در نتیجه زحمات دوست ساله، توانستند دین اسلام را به شیوه ای صحیح در مغرب اسلامی تبلیغ نموده گسترش داده و تثبیت نمایند.

اهمیت اداریسیان در تاریخ تمدن اسلامی به جهت گسترش ساختارهای اجتماعی- فرهنگی مبتنی بر آموزه های اسلامی در کنار سایر مؤلفه های تمدنی در مغرب اسلامی است. آنان برای تثبیت و گسترش آموزه های اسلامی، نظام تعلیم و تربیتی را بوجود آوردند که در وهله اول، اهتمام به آموزش قرآن، تفسیر، حدیث، فقه و سایر علوم اسلامی داشت و در وهله بعد سایر علوم مثل ریاضیات، نجوم، طب و فلسفه به مردمان مغرب اسلامی آموزش داده می شد که این مهم را با تأسیس و استفاده از مجموعه ای از نهادها و موسسات دینی و غیره مثل تعداد زیادی مسجد که در شهرهای مختلف ساختند، جوامع، رباط ها و حتی خانه ها و اماکن اقامتی امامان اداریسی که محل حضور علما و دانشمندان و برگزاری جلسات علمی آنان بود، به انجام می رسیده است.

همچنین از دیگر ممیزات و ویژگیهای نظام تعلیم و تربیت اداریسیان، توجه و علاقمندی امامان اداریسی به علم بود. برخی از ائمه اداریسی که خود از عالمان و فرهیخته گان عصر خود بودند نه تنها علماء و دانشمندان سایر مناطق اسلامی را به قلمرو حکومتی خود جذب می کردند و از آنان

در تعلیم و تربیت عمومی و گسترش علم استفاده می نمودند بلکه باعث علاقمندی عموم مردم به خط، زبان و ادبیات عرب که آن را خط و زبان قرآن و احکام اسلام می دانستند، شدند. اقدامات آنان در گسترش و تثبیت زبان عربی در مغرب اسلامی بسیار تأثیر گذار بود. همچنین ادریسیان در تهیه ملزومات کتابت و بومی سازی آن نقش مهمی داشتند و همین مسئله باعث پیدایش مشاغل و حرفه های مرتبط با کتاب و کتابت و در نهایت توسعه کمی و کیفی علم، تعلیم و تربیت در مغرب اسلامی عصر ادریسیان شد. در نتیجه باید گفت که امامان ادریسی با روش های تبلیغی کم نظیر از جمله زندگی زاهدانه و تقوای فردی و در کنار آن با استفاده از ظرفیت رواداری اسلامی توانستند ابتدا زمینه گسترش و تثبیت اسلام را در مغرب اسلامی فراهم آورند و سپس با ساخت مراکز دینی و آموزشی متنوع، نظام تعلیم و تربیت کارآمدی را در مغرب اسلامی نهادینه نمایند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی زرع الفاسی، علی. (۱۹۷۲م). الانیس الامطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک و تاریخ مدینه فاس، الرباط: دار المنصور للطباعه والوراقه.
۳. ابن خطیب، لسان الدین. (۱۹۶۴م). تاریخ المغرب العربی فی العصر الوسیط، تحقیق و تعلیق احمد مختار العبادی و محمد ابراهیم الکتانی، الدار البیضاء (کازابلانکا): ناشر دار الکتاب.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۷۵). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
۵. ابن عذاری مراکش. (۱۹۴۷-۱۹۵۰م). احمد بن محمد، البیان المغرب فی اخبار المغرب، بیروت: مکتب صادر.
۶. ابن عنبه، السید جمال الدین احمد بن علی الحسنی. (۱۴۱۳ق). عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: ناشر منشورات الشریف الرضی.
۷. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۹۹۷م). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. احمد امین. (۲۰۰۵م). ظهر الاسلام، بیروت: دار الکتاب العربی.
۹. احمدپور، مهدی. (۱۳۹۷). «گونه شناسی و تحلیل آسیب های اخلاقی تبلیغ دین» فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق، سال هشتم، شماره ۲۹، پیاپی ۵۱، (ص ص ۵۵-۳۱).

گونه شناسی نظام تبلیغ ، تعلیم و تربیت عصر ادريسيان

۱۰. ادريسي، ابو عبدالله محمد. (۱۹۵۷م). تاريخ إفريقيا الشماليه والصحراويہ مستخرج من كتاب نزهه المشتاق في اختراق الآفاق، الجزائر: نشر هنري بيرس.
۱۱. اصفهاني، ابوالفرج علي بن الحسين. (۱۹۹۴م). الأغاني، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۲. بكري، عبدالله بن عبدالعزيز. (۱۸۵۷م). المغرب في ذكر بلاد افريقيه والمغرب، بغداد: مكتب المثنى.
۱۳. ----- (۱۹۹۲م). المسالك و الممالك، بيروت: دار المغرب الاسلامي.
۱۴. بهرامپور، ابوالفضل. (۱۳۹۱). تفسير يك جلدی مبین، قم: انتشارات آوای قرآن، چاپ سوم.
۱۵. تليسي، بشير رمضان. (۲۰۰۳م). الاتجاهات الثقافيه في الغرب الاسلامي خلال قرن الرابع الهجري، بيروت: دار المدار الاسلامي.
۱۶. جان احمدی، فاطمه، رضا دشتی. (۱۳۹۲). «قرامطه بحرین مسأله امامت» مجله پژوهش های تاريخی ایران و اسلام، دوره ۷، شماره ۱۳، دانشگاه سيستان و بلوچستان، (ص ص ۱۶-۱).
۱۷. جان احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم.
۱۸. چلونگر، محمدعلي، عصمت برزگر. (۱۳۹۴). دولت ادريسيان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. حموی، ياقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵م). معجم البلدان، بيروت: دار صادر، طبع الثانيه.
۲۰. دانشکيا، محمد حسين. (۱۳۹۶). «وضعيت و نقش دولت ادريسيان در تمدن اسلامي» فصلنامه علمی-پژوهشی شيعه شناسی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، (ص ص ۱۰۸-۷۹).
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۶ق). الامصار ذوات الآثار، بيروت: دار البشائر.
۲۲. رضوی اردکاني، سيد ابوفاضل. (۱۳۷۵). ماهيت قيام شهيد فخر، قم، مرکز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم: چاپ دوم.
۲۳. رياض، زاهر. (۱۹۶۸م). الممالك الاسلاميه في غرب افريقا و اثرها في تجاره الذهب عبر الصحراء الكبرى، قاهره: مكتبة الانجلو المصريه.
۲۴. زيبب، نجيب. (۱۹۹۵م). الموسوعه العامه لتاريخ المغرب و الاندلس، تقديم احمد بن سوده، بيروت: دار الامير للثقافه والعلوم.
۲۵. زرکلي، خير الدين. (۱۹۹۰م). الأعلام قاموس تراجم لِأشهر الرجال والنساء من العرب و المستعربين والمستشرقين، بيروت: دار العلم للملايين.
۲۶. سائح، حسن. (۱۹۸۶م). الحضاره الاسلاميه في المغرب، بيروت: دارالثقافه، الطبعة الثانيه.

۲۷. ----- (۲۰۰۰م). الحضاره المغربیه «البدایه والاستمرار»، رباط: منشورات عكاظ.
۲۸. سلاوی، احمد بن خالد الناصری. (۲۰۰۱م). الاستقصاء لخبار دول المغرب الاقصى، الدار البيضاء (كازابلانكا): منشورات وزارة الثقافة والاتصال.
۲۹. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۸). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ هفتم.
۳۰. عبدالرزاق اسماعیل، محمود. (۱۹۸۹م). الادارسه فی المغرب الاقصى (۱۷۲-۳۷۵)، بیروت: مکتبه الفلاح.
۳۱. علوی، علی بن محمد. (۱۴۰۹ق). المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق الشیخ احمد المهدی، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۳۲. غلاب، عبدالکریم. (۱۹۹۶م). قرائه جدیده فی تاریخ المغرب العربی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۳۳. غنیمی، عبدالفتاح مقلد. (۱۹۹۴م). موسوعه المغرب والاندلس، قاهره: مکتبه مدبولی.
۳۴. فتی، عصام الدین عبدالرئوف. (۱۹۸۴م). تاریخ المغرب والاندلس، قاهره: کلیه الآداب جامعه القاهره.
۳۵. قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۹۸۷م). صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، تعلیق نبیل خالد الخطیب، بیروت: دار الفکر.
۳۶. کنون، عبدالله. (۱۹۷۵م). النبوغ العربی فی الادب العربی، بیروت: دار الكتاب اللبنانی، الطبعة الثالث.
۳۷. کونل، ارنست. (۱۳۴۷). هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: مشعل آزادی.
۳۸. محمد حسن. (۲۰۰۴م). الجغرافیه التاریخیه لافریقیه، بیروت: دار الكتاب الجدیده المتحدہ.
۳۹. مصطفوی، حسن. (۱۳۷۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۴۰. مغنیه، محمد جواد. (۱۳۵۱). دولت های شیعه در طول تاریخ، ترجمه محمد بحرینی کاشمیری، قم: انتشارات شفق.
۴۱. مکناسی، احمد بن محمد ابن قاضی. (۱۹۷۳م). جذوه الاقتباس فی ذکر من حلّ من الاعلام مدینه فاس، رباط: دار المنصور.
۴۲. مونس، حسین. (۱۳۹۵). تاریخ قریش، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۴۳. ----- (۱۳۸۴). تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: انتشارات سمت.
۴۴. ----- (۱۹۸۰م). معالم تاریخ المغرب والاندلس، قاهره: دار المستقبل.

گونه شناسی نظام تبلیغ ، تعلیم و تربیت عصر اداریسیان

۴۵. ناصری طاهری، عبدالله. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
۴۶. نصرالله، سعدون عباس. (۱۹۸۷م). دوله الادارسه فی المغرب العصر الذهیبی، بیروت: دارالنهضة العربیه.
۴۷. نعیمی دمشقی، عبدالقادر بن محمد. (۱۹۹۰م). الدارس فی التاریخ المدارس، الفهرسه ابراهیم شمس الدین، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه.
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۴۲۲ق). البلدان، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
۴۹. ----- (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.